



گفت و گو با دکتر رضا عطاریان
اصطلاح‌شناس و پژوهشگر ارشد گروه واژه‌گزینی
فرهنگستان زبان و ادب فارسی

زبان تفکر ما را شکل می‌دهد

Term یعنی مرز و حد؛ بنابراین، در واژه‌گزینی یا اصطلاح‌شناسی حد و دلالت هر واژه مشخص می‌شود. ابن سینا واژه‌های علمی را به دقت تعريف کرده است. ابن سینا کتابی با عنوان «حدود» دارد که در آن اصطلاحات با تعریف مشخص آمده‌اند. تعریف حد و حدود اصطلاحات، مهم است؛ زیرا واژه‌ها بخشی از علم‌اند.

در کسر هر علم به واسطه درک واژه‌ها و اصطلاحات آن ممکن می‌شود. دو نفر که درباره موضوعی علمی گفت و گو می‌کنند، اگر دقیقاً ندانند که حد و حدود هر واژه چیست و چه معنایی دارد، مسلماً دچار سوءتفاهم می‌شوند.

* دقیقاً همین طور است. هالیدی در کتاب زبان علم گفته است که هر نظریه علمی مرکب از دو بخش است، یکی واژه‌ها که در واقع عصارة دانش‌اند و دیگری گفتمان که برای استدلال در نظریه‌پردازی به کار می‌روند. در واقع واژه علاوه بر دانش، واحد تفکر و شناخت است و این طور نیست که واژه‌ها و شناخت از هم جدا باشند.

یعنی اینکه نمی‌توانیم واژه علمی را مشابه با نام افراد بدانیم. چون واژه علمی بخشی از شناخت علمی است؛ اما نام افراد این ویژگی را ندارد.

* همین طور است. در معناشناسی و اصطلاح‌شناسی مثلثی معروف به مثلث آگدن و ریچاردز^۱ یامثلث معناشنختی هست. یک ضلع این مثلث واژه، ضلع دیگر مصداق و ضلع سوم، مفهوم است. مثلث برای واژه‌صندلی، مصداقی داریم، این مصداق مفهومی در ذهن ما ایجاد می‌کند و اگر صندلی‌ای بینیم که به جای چهار پایه، یک پایه هم داشته باشد، باز هم کلمه‌صندلی را برای آن به کار می‌بریم.

۶ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نهادی برای برنامه‌ریزی زبان است. اصولاً برنامه‌ریزی زبان چیست و به چه منظوری انجام می‌شود؟

* منظور از برنامه‌ریزی زبان، دخالت آگاهانه در امر زبان است. برنامه‌ریزی زبان در کشورهای متفاوت، جنبه‌های متفاوت دارد، مثلاً در کشور دو زبان‌های مانند کانادا، هدف از برنامه‌ریزی حفظ دو زبان فرانسوی و انگلیسی در کنار هم است. سابقه برنامه‌ریزی زبان در ایران به زمانی برمی‌گردد که دولت بهطور آگاهانه بر برنامه‌ریزی در زبان علم ورود کرد. البته در ایران برنامه‌ریزی زبان در ارتباط با زبان‌های بومی نیست. کار فرهنگستان اول که در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد، برنامه‌ریزی در حوزه زبان علم بود که بخشی از آن واژه‌گزینی است. گرچه احساس نیاز به تأسیس چنین نهادی خیلی قبل تراز آن بوده است. نامهای از معین‌الملک سفير ایران در استانبول در زمان ناصرالدین‌شاه وجود دارد که نوشته است: در ممالک متفرقی سازمان‌هایی وجود دارد که صورت نوشتن معنا را استاندارد می‌کنند. یعنی او پیشنهاد تأسیس فرهنگستان را داده است.

۷ منظور از زبان علم و واژه‌گزینی چیست؟

* زبان علم، گونه‌ای زبان است که در دل زبان طبیعی قرار دارد. منظور از زبان طبیعی هم، زبانی است که مردم با آن صحبت می‌کنند. زبان علم، زبانی تقریباً مصنوعی است؛ زیرا ساخت آن با برنامه‌ریزی صورت گرفته است. زبان علم علاوه بر مشخصات و قواعد زبان‌های طبیعی، قواعد و روش‌های خاص خود را دارد. واژه‌گزینی هم، بخشی از فرایند برنامه‌ریزی در زبان علم است. واژه‌گزینی معادل واژه Terminology است که البته به آن اصطلاح‌شناسی هم می‌گویند.



بنابراین، قیاسی که بعضی می‌کنند و می‌گویند حالا که این جور است، به آقای احسانی بگوییم آقای نیکوکاری و براساس آن با واژه‌های برابر مخالفت می‌کنند، درست نیست، زیرا در ارتباط با اسامی افراد، ضلع سوم مثلث، یعنی مفهوم را نداریم، اما درباره واژه‌ای مانند Mitochondria، بناسنست مفهومی در ذهن شکل گیرد.

* بله، بنابراین، این طور نیست که اصرار بر واژه‌سازی باشد. در بعضی موارد استانداردسازی کرده‌ایم، گاه یک واژه قدیمی برای مفهوم جدیدی به کار می‌رود. در این صورت نیز واژه‌سازی نکرده‌ایم و از همان لفظ قدیمی استفاده کرده‌ایم.

۶ مثل چه واژه‌ای؟

* کلمه اُردر که به معنی اُرده‌است، در فرهنگستان اول برای موشک زبردیابی به کاررفت. بنابراین، در فرایند واژه‌گزینی سه جو واژه تعریف می‌شود:

برگزیده، یعنی واژه‌ای که براساس بسامد آن از بین برابرها متفاوت یک‌وazione بیگانه اختخاب شده است.
نوساخته که آن‌ها را می‌سازیم و واژه‌های نوگزیده که به یک واژه معنی جدید می‌دهیم. مانند همین واژه‌ُردر.

بنابراین، قیاسی که بعضی می‌کنند و می‌گویند حالا که این جور است، به آقای احسانی بگوییم آقای نیکوکاری و براساس آن با واژه‌های برابر مخالفت می‌کنند، درست نیست، زیرا در ارتباط با اسامی افراد، ضلع سوم مثلث، یعنی مفهوم را نداریم، اما درباره واژه‌ای مانند Mitochondria، بناسنست مفهومی در ذهن شکل گیرد.

۷ نام بعضی واژه‌های علمی، نوعی توصیف است؛ مثلاً Chloroplast چیزی را توصیف می‌کند.

* در واقع گاهی اشاره مستقیم است، مانند همین Chloroplast و معادل آن‌ها براساس همان مفاهیم واژه اصلی ساخته شده است؛ و بعضی موقع غیرمستقیم و استعاری است. گاهی واژه‌ها «یادنام»‌اند، مانند دستگاه Golgy یا Pasteurization که براساس نام کسانی که آن‌ها را کشف یا ابداع کرداند ساخته شده است. این واژه‌ها، گرچه اطلاعی درباره ماهیت آن چیز به ما نمی‌دهند، اما به نحوی مرتبطاند.

۸ موضع فرهنگستان در برابر واژه‌های یادنام چیست؟ آیا برای چنین واژه‌هایی نیز واژه‌های برابر معرفی می‌شود؟

* خیر، فرهنگستان به چنین واژه‌هایی دست نمی‌زند. واحدهای اندازه‌گیری هم همین طورند. اما در بعضی موقع برای یاد نامها واژه‌های مفهومی نیز گذاشته‌ایم. مثلاً در کنار واژه یاخته‌های Leydig، یاخته‌های بینایینی و در کنار یاخته‌های گروهها مخصوصی از زمینه کاری فرهنگستان را می‌شناسند. گروه واژه‌گزینی فقط یکی از گروههای کاری در فرهنگستان است. هسته اصلی گروه واژه‌گزینی، گروههای تخصصی‌اند. این گروهها مرکب از متخصصان موضوعی دانشگاهی و پژوهشی‌اند. کارشناسان زبان نیز در این گروهها حضور دارند. بنابراین، فرایند واژه‌گزینی با مشارکت و فعالیت این افراد در گروههای تخصصی انجام می‌شود.

واژه‌هایی که در هر کار گروه تصویب می‌شوند، ابتدا به شورای هماهنگی می‌روند، زیرا در رشتۀ‌های متفاوت، واژه‌های مشترک وجود دارد و لازم است در برابر یک مفهوم در علوم مرتبط حتی الامکان یک معادل و یک لفظ به کار رود.

۹ در کتاب‌های زیست‌شناسی در برابر این واژه‌ها «بینایینی» و «غذادهندۀ آمده است، چون برخلاف



این طور نیست که اصرار بر واژه‌سازی باشد.

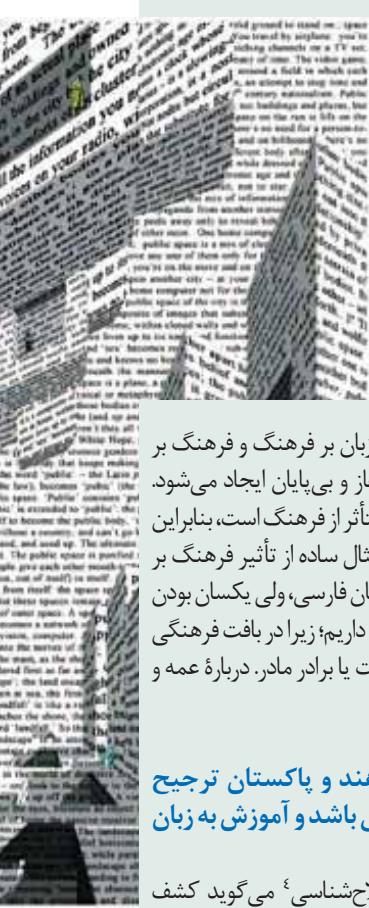
در بعضی موارد استانداردسازی کرده‌ایم.

گاه یک واژه قدیمی برای مفهوم جدیدی

به کار می‌رود. در این صورت نیز واژه‌سازی

نکرده‌ایم و از همان لفظ قدیمی استفاده

کرده‌ایم



زبان است که تفکر ما را شکل می‌دهد. زبان بر فرهنگ و فرهنگ بر زبان اثر می‌گذارد و در واقع یک دور بی‌آغاز و بی‌پایان ایجاد می‌شود

زبان است که تفکر ما را شکل می‌دهد. زبان بر فرهنگ و فرهنگ بر زبان اثر می‌گذارد و در واقع یک دور بی‌آغاز و بی‌پایان ایجاد می‌شود. زبان علم گونه‌ای از زبان طبیعی است که متأثر از فرهنگ است، بنابراین زبان علم هم با تفکر ما ارتباط دارد. یک مثال ساده از تأثیر فرهنگ بر زبان، وجود واژه‌هایی مانند عمود و دایی در زبان فارسی، ولی یکسان بودن آن‌ها در انگلیسی است. واژه‌های متفاوت داریم؛ زیرا در بافت فرهنگی ما مهم بوده است که این فرد برادر پدر است یا برادر مادر، درباره عمه و خاله هم همین طور است.

به هر حال کشورهایی مانند هند و پاکستان ترجیح داده‌اند که زبان علمی‌شان انگلیسی باشد و آموزش به زبان انگلیسی است.

* بله، اما رئیس سازمان جهانی اصطلاح‌شناسی^۱ می‌گوید کشف دنیای خارجی اول از همه با زبان مادری انجام می‌شود.

ما به زبان مادری فکر می‌کنیم.

* بله، یک مثال بی‌ا ör از اهمیت در نظر داشتن گنجینه ذهنی واژه‌ها در درک علم. ریزبین و میکروسکوپ را در نظر بگیرید. اولین بار که میکروسکوپ را می‌شنوید، این واژه جایی در ذهن شما ندارد. در واقع ضلع مفهوم را در مثلث معناشناختی نداریم، مفهوم میکروسکوپ بعد از ذهن ما شکل می‌گیرد.

چنین واژه‌هایی را بتدعا تعریف می‌کنیم یا کار آن را برای دانش آموز توضیح می‌دهیم و دانش آموز با گذشت زمان در ذهن خود این تعریف را ایجاد می‌کند که میکروسکوپ وسیله‌ای برای مشاهده چیزهایی است که با چشم دیده نمی‌شوند.

* بله، میکروسکوپ همچنان مفهومی در ذهن ندارد، بلکه مانند یک اسم و مصداق آن است. احتمالاً معلم واژه میکروسکوپ را مصداقی یاد گرفته و مصداقی یاد می‌دهد. در حالیکه در واژه ریزبین هر سه ضلع مصدق، واژه و مفهوم را داریم، چون هر دو جزء این واژه برای دانش آموز دارای مفهوم ذهنی است و در گنجینه واژگانی او قرار دارند. دانش آموز دستگانی که هنوز زبان مادری را به درستی نمی‌داند، باید با کلمه‌های انگلیسی یا حتی یونانی ارتباط برقرار کند.

بیرونی نیز چنین کاری انجام داده است. اما ابن سینا در مقایسه با بیرونی اعتقاد بیشتری به فارسی‌سازی زبان علم داشته است. بیرونی قابلیت زبان عربی را برای متون علمی بیشتر از زبان فارسی می‌دانست.

آن موقع زبان علم عربی بوده است. جالب است که تلاش برای فارسی‌سازی زبان علم در اوج تمدن اسلامی و برتری زبان عربی، انجام شده است. انگیزه این حرکت در آن زمان چه بود؟

* خیلی از امراء و پادشاهان از داشمندان می‌خواستند برای اینکه خود و دیگران از مطالب علمی بهره‌مند شوند، این مطلب به زبان فارسی نوشته شود تا برای مردم قابل فهم باشد. رازی و بابا افضل کاشانی نیز از افرادی بودند که تلاش فراوانی در فارسی‌سازی زبان علم کردند. اما بعد از آن کلمه‌های عربی به‌طور غیرضروری و افراطی وارد متون شدند.

هر زبانی از زبان‌های دیگر تأثیر می‌پذیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اما پرسش این است که به چه کلمه‌یا واژه‌ای فارسی می‌گوییم. آیا معیاری هست که براساس آن فارسی یا غیرفارسی بودن واژه را تعیین کنیم؟

* بله، واژه فارسی و زبان فارسی تعریف شده است. در اصول و ضوابط واژه‌گزینی^۲ آمده است که «زبان فارسی زبانی است که هم‌اکنون در کشورهای ایران (به نام فارسی) و تاجیکستان (به نام تاجیکی) تنها زبان رسمی و در افغانستان (به نام دری) یکی از دو زبان رسمی است و در برخی جوامع که در حوزه نفوذ فرهنگی ایران قرار داشته‌اند گروهی از مردم بدان می‌نویسند و تکلم می‌کنند. از این زبان از قرن سوم هجری به بعد، متون نوشتاری فراوانی به جامانده است». واژه فارسی و اینکه گنجینه واژگانی زبان فارسی چیست در همین کتابچه توضیح داده شده است.

پس اینکه گاه اعتراض می‌شود چرا این موضع نسبت به زبان عربی نیست به عدم آگاهی از تعریف مورد توافق از زبان فارسی است.

* بله؛ اینجا هم اهمیت تعاریف، حدود و دلالت واژه مطرح می‌شود. ابتدا باید بدانیم واژه فارسی چیست و بعد واژه‌گزینی را نقد کنیم.

بعضی می‌گویند نقش و کارکرد زبان، ارتباط است و این واژه‌ها ارتباط را مختلط می‌کنند. مثلاً معلم می‌گوید سال هاست که واژه میتوکندری و اسکلرانتشیم را به کار برده‌ام، اکنون باید بگویم راکیزه و سخت‌آکنه. این واژه‌ها برای من بیگانه‌اند. انرژی من به جای آموزش، صرف به کارگیری این واژه‌های ناماؤوس می‌شود.

* اجازه بدهید ابتدا مقدمه‌ای در ارتباط با کارکرد زبان عرض کنم. ارتباط یکی از کارکردهای زبان است، اما کارکرد مهم دیگر آن کارکرد شناختی است. زبان و اندیشه ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. این موضوع را اولین بار دو زبان‌شناس امریکایی به نامهای ساپیر و وورف با عنوان نظریه نسبت زبان مطرح کردند. براساس این نظریه، زبان و تفکر ارتباط تنگاتنگی با هم دارند.



ارتباط یکی از کارکردهای زبان است، اما کارکرد مهم دیگر آن کارکرد شناختی است

سامی ابرها این دست است. به نظر شما واژه سیروس برای دانش آموز مفهوم ذهنی ایجاد می کند یا پرسان؟ دانش آموز به ابر نگاه می کند و پر شکل بودن آن را می بیند. واژه پر در واژگان ذهنی او وجود دارد و مفهومسازی و یادگیری آسان تر می شود؛ زیرا مثلث معناشناختی تشکیل شده است و نیاز نیست انرژی دانش آموز به جای یادگیری، صرف حفظ کردن واژه ها شود.

علم معمولاً وقت و انرژی فراوانی برای مفهومسازی واژه و به عبارتی ایجاد ضلع سوم مثلث معناشناختی صرف می کند. بسیاری از پرسش ها در آزمون ها نیز در ارتباط با همین مفهومسازی است و دانش آموزان در واقع از جنبه موافقیت در ایجاد مفهوم ذهنی از واژه های علمی سنجش می شوند، در حالیکه ممکن است هیچگاه این ضلع سوم تشکیل نشود.

* بله، سعی ما در واژه گزینی این است که واژه از حالت اسم به مفهوم تبدیل شود، یعنی واژه ای شود که اجزای آن به شما کمک کنند تا یک تعریف بازنمایی شود.

اگر این رویکرد در واژه گزینی باشد بعضی تعاریف در متون درسی حذف یا کوتاه می شوند. مثلاً نیازی نیست شما ریزبین را برای دانش آموز تعریف کنید.

* اصولاً فلسفه واژه گزینی آسانتر شدن فهم علم است.

چرا با وجودی که بیشتر معلمان در فرایند آموزش عملأ ریشه واژه های بیگانه را در کلاس می گویند و به عبارتی تلاشی از نوع واژه گزینی می کنند، مخالف این کار می شوند، مشکل را در چه می بینید؟

* مشکلات فقط به دوره گذر مربوط می شود. برای افرادی که با واژه های قدیمی آموزش دیده و خو گرفته اند، دشوار است که واژه های دیگری به کار بند. برای این افراد این واژه ها بار اضافی اند، این اتفاق هم چیز نوی نیست. به مرحوم گل گلاب ایراد می گفتند که یک عمر پتال و سپال را به کار بردند.

در حالی که امروزه با همه تمایلی که در به کار گیری

واژگان انگلیسی به ویژه بین افراد دانشگاهی و تحصیل کرده وجود دارد، بعید است که فردی به جای کاسبرگ بگویدسپاپ.

* هر واژه ای که ابتدا معرفی می شود برای نسلی که با به کار گیری آن واژه خو گرفته اند، دشوار است.

می دانیم که صرفاً با دانستن واژه های علمی زیست شناسی نمی توان با زبان انگلیسی یا یک زیست شناس غیر ایرانی ارتباط و گفت و گوی علمی برقرار کرد، یا اینکه متن علمی را در ک و به فارسی ترجمه کرد. به عبارتی برای برقراری ارتباط باید زبان طبیعی انگلیسی را یاد گرفت. از طرفی تلفظی که از واژه ها یادگرفته ایم برای یک انگلیسی زبان غیر قابل درک است. مثلاً parenchyma را پارانشیم می نویسیم و می خوانیم. پارانشیم حتی فرانسه هم نیست، چون اگر بود، به جای «ر» باید چیزی شبیه «غ» تلفظ می کردیم. به عبارتی ملغمه ای از انگلیسی و فرانسه است، در حالیکه هیچ یک از آن ها نیست. به هر حال این واژه ها به شکلی که تلفظ می کنیم، کمکی به برقراری ارتباط علمی هم نمی کند؛ اما به هر حال این نگرانی وجود دارد. پیشنهاد شما چیست؟

* راحل ساده و از نامه های چند زبانه است. چرا فقط انگلیسی؟ امروزه تمایل برای یادگیری زبان های دیگر مانند آلمانی و فرانسوی کم نیست. پیشنهاد می کنم که در کتاب های درسی چنین واژه نامه هایی آورده شود. نقش زبان در درک مفهومی علم به قدری جدی است که می تواند در یادگیری اختلال ایجاد کند.

می تأیید حرف شما به مقاله ای از یک دبیر زیست شناسی اشاره می کنم که قبلاً در رشد آموزش زیست شناسی به چاپ رسیده است^۵. این دبیر زیست شناسی بر اساس پژوهشی که در کلاس های درس انجام داده، به این نتیجه رسیده است که بخشی از عدم درک مفاهیم زیست شناسی، به مشکل زبانی مربوط می شود تا خود علم زیست شناسی. به هر حال در حل این مشکل، منطقی نیست که گوش ها و زبان های بومی را کنار بگذاریم. البته این مشکل در دانش آموزان انگلیسی زبان نیز در ارتباط با واژه های لاتینی وجود دارد و بر همین اساس در بعضی کتاب ها، بخش هایی به نام ریشه شناسی واژه ها وجود دارد.

* گفتیم که زبان در یادگیری ممکن است اختلال ایجاد کند. مایکل هالیدی^۶ در کتاب زبان علم با اشاره به مشکلات واژه ها در زبان انگلیسی ریشه بخش عمده ای از ترک تحریص های دانش آموزان را در مشکلات موجود در زبان آموزش می داند. بنابراین، یکی از راه های حل چنین مشکلاتی، آوردن ریشه واژه ها در کتاب درسی است. در این صورت فرد هم زبان مادری را بهتر می شناسد و هم واژه خارجی را ریشه های و اصولی تر یاد می گیرد. علم را هم بهتر یاد می گیرد. اگر واژه های علمی را مفهومی یاد بگیرید با پدیده جدیدی که مواجه می شوید، می توانید

نوساخته‌اند؛ در حالی که در گروه‌های دیگر تا ۸۵ درصد برگزیده‌اند، یعنی این واژه‌ها وجود داشته‌اند. در هیچ یک از گروه‌های واژه‌گزینی فیزیک یا شیمی، ۶۰ درصد واژه نوساخته نیست.

علت دیگر مربوط به ماهیت علم زیست‌شناسی است. در زیست‌شناسی مفاهیم گسترش‌های واژه‌ای یونانی و لاتینی بیشتری استفاده شده است. همچنین، درصد واژه‌های پیچیده هم بیشتر است در حالیکه مثلاً در رشته‌های مانند فیزیک و ازه‌های لاتینی و یونانی چندان پیچیده‌ای نداریم.

۷ آیا فارسی بودن زبان علم مانع از توسعه و پیشرفت می‌شود؟ این نگرانی بعضی مخالفان فارسی‌سازی است.

* آماری در ارتباط با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی هست که نشان می‌دهد، چنین ارتباطی وجود ندارد. انگلیسی یافراحتی بودن زبان علم، عامل پیشرفت نیست. مثلاً سبب نشده است کشوری مانند پاکستان یا هندوستان که زبان علمی آن هانگلیسی است از کشوری مانند ژاپن که زبان علمی آن زبانی است، جلوتر باشد.

۷ این نگرانی‌ها قابل درک است. دبیران و آموزگاران بار اصلی آموزش فرزندان این مرزو بوم را بر عهده دارند و نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و همچنین پاسداشت و حفظ زبان فارسی دارند. لازم است فرهنگ‌ستان زبان و ادب فارسی ارتباط نظاممندی با دبیران و آموزگاران داشته باشد.

* درست است. به هر حال حرکت واژه‌گزینی آگاهانه و نظاممند اجام می‌شود. به این توجه داشته باشید که زبان علمی با زبان محاوره‌ای متفاوت است و شاید در ابتدا قدری عجیب به نظر برسد؛ اما داشتن آن یک ضرورت است.

اگر می‌خواهیم که منابع علمی به زبان فارسی داشته باشیم باید واژه‌های علمی دقیق و یکسان برای ترجمه متن خارجی نیز داشته باشیم تا شاهد تشتت و عدم دقت در ترجمه‌های نباشیم. مگر اینکه براین باور باشیم که اصلاً نیازی به منابع علمی به زبان فارسی نداریم و به جز کلمه‌های غیر علمی همه واژه‌های علمی را به زبان و حروف انگلیسی می‌آوریم. چه خوب بود اگر همین طور که نقد ادبی داریم، نقد زبان هم می‌دادشیم و افرادی که می‌خواستند واژه‌ها را نقد کنند، مبتنی بر معیارهای علمی این کار را التجام می‌دادند.

۷ سپاسگزاریم!

پی‌نوشت‌ها

1.Ogden and Richards
2.Semantic Triangle

۳- اصول و ضوابط واژه‌گزینی، همراه با شرح و توضیحات، ویرایش سوم، با تجدید نظر، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه واژه‌گزینی، خردad، ۱۳۸۸.
4-. Infitem: International Information Center for Terminology

۵- نقش جواهری مسعود اهمیت زبان فارسی در یادگیری زیست‌شناسی، رشد آموزش زیست‌شناسی، شماره ۱۰۲، بهار ۱۳۹۵.

6. Michael Alexander Kirkwood Halliday.
7. Organisation for Economic Co-operation and Development,OECD

واژه‌های اعمیم دهید. البته مواجهه ناگهانی با واژه‌های جدید، مشکلاتی ایجاد می‌کند. راه اساسی بر طرف کردن این مشکلات، آموزش‌های تدریجی و به موقع است.

۷ بعضی می‌گویند زبان فارسی، وقتی زبان علم می‌شود که در آن علم دستاوردها و یافته‌هایی داشته باشیم. به نظر می‌رسد که خاستگاه این نظر آگاهانه یا ناآگاهانه به این برمی‌گردد که زبان را از علم جدا می‌دانند و برای زبان فقط نقش ارتباطی قائل‌اند. در حالیکه زبان ابزار علم است.

* در سال ۱۳۸۹ شمسی فرهنگستان زبان اطربیش همایشی بین‌المللی با عنوان «زبان ابزار علم» برگزار کرد. موضوع این بود که به این بُعد از زبان، یعنی ابزار علم بودن توجه کنیم. یعنی زبان از علم جدا نیست و زبان علم، خود علم است. آیا می‌توانید با حرکت دست زیست‌شناسی آموزش دهید؟ دانش در قالب زبان منتقل می‌شود و بنابراین، زبان هم بخشی از دانش است. زبان علمی باید زبان دقیقی باشد و اگر واژه مناسب نداشته باشیم از چنین زبانی محروم خواهیم شد.

۷ می‌گویند زبان محاوره‌ای (غیرعلمی) در محدوده مرزها تعریف می‌شود، اما زبان علمی این جور نیست. زبان علم زیست‌شناسی در همه جا یکسان است و در بند جغرافیا نیست. پرسش من این است که آیا زبان علم زیست‌شناسی در همه کشورها یکی است؟ آیا فقط ما هستیم که داریم تلاش می‌کنیم تا زبان علم را فارسی کنیم.

* خیر به هیچ‌وجه؛ فعالیت واژه‌گزینی در کشورهای دیگر نیز انجام می‌شود. در کشورهای اروپایی بعضی واژه‌ها ریشه لاتینی دارد. مثلاً آلمانی‌های برای بسیاری از واژه‌هایی که ریشه لاتین دارند، واژه ساخته‌اند. همچنین چندین مکتب اصطلاح‌شناسی مهم در دنیاداریم که نشان می‌دهد تلاش برای واژه‌گزینی و استاندارد سازی زبان فقط به مختصات ندارد. این طور نیست که همه کشورهای واژه‌های علمی را به زبان انگلیسی به کاربرند. اگر واژه‌های علمی انگلیسی جهانی بود؛ این همه فرهنگ‌های چندزبانه وجود نداشت. پس اینکه زبانی واحد در علم داشته باشیم، تفکری اسطوره‌ای است! اگر می‌شد خوب بود، امانیست و در عمل نمی‌شود.

۷ واژه‌های مصوب فرهنگستان در کتاب‌های درسی دیگر هم آمده است؛ اما این رویداد در ارتباط با کتاب زیست‌شناسی، پرنگ شده است. شاید این تصور ایجاد شود که در کتاب‌های درسی زیست‌شناسی برخلاف کتاب‌های دیگر اقدامی در این باره نشده است؛ در حالیکه اگر به کتاب‌های زیست‌شناسی مراجعه کنیم، واژه‌های فراوانی از واژه‌های مصوب فرهنگستان می‌بینیم.

مثلاً در همین کتاب هم، بسیاری از برابرهای فارسی مانند روپوست، پوستک و غیره آمده است. علت را در چه می‌بینید؟

* گفتمی برابر نهادها در سه دسته برگزیده، نوگزیده و نوساخته قرار می‌گیرند در زیست‌شناسی ۴ درصد واژه‌ها برگزیده‌اند، بنابراین ۶۰ درصد